

۱- وقت دعا وقت دعا که سازد از دنیا جدا

دعوت کنادم بر پدر تا حاجتم سازد روا

گر غرق درد و محنتم راحت بود آن دم مرا

از امتحان کردم رها در وقت ای وقت دعا

۲- وقت دعا وقت دعا عرضم رسد سوی سما

بر درگه رب و دود توبه پذیر و رهنما

از او نمایم من طلب تا فیض خود سازد عطا

راحت شوم از دردها در وقت ای وقت دعا

۳- وقت دعا وقت دعا باشی تسلی ده مرا

تا وقت آخر در رسد یا منجی آید از سما

این جسم خاکی افکنم فانی شود غرق بقا

اندر حضور قدس او کامل شود وقت دعا

وقتی تنها توی زندون گناهم، نه پناهی، نه امیدی به نجاتم
دلَم از تنهایی مثل خونه، تو کجایی؟ تو کجایی ای خداوند؟
نه صدایی، نه ندایی ز تو دارم (۲)
توی فکرم، تو خدا بودی، اما از دور یه سراب بودی (۲)
نه صدایی، نه نگاهی ز تو دارم (۲)
به روی تپه‌ای مرا کشاندند، بر صلیبی،
بر صلیبی کوبیدند
در کنارم دو صلیب دیگری بود،
یه صدایی، یه صدایی اینچنین گفت:
ای خداوند این گنهکاران را ببخش،
نمی‌دانند که با فرزندت چه کردند (۲)
چه صداییست، چه نداییست، امروز چه نگاه‌یست (۲)
ای خداوند تو چرا میان مایی، من و او پر از گناه و تو پر از خوبی (۲)
ای خداوند بخششتم را از تو خواهم، تو امیدم، ای مسیحم، تو نجاتم
رو به من کرد و تو چشمم خیره شد، با صدایی، با ندایی رو به من گفت:
تو امروز در کنارم تو بهشتی (۲)
آه خداوند تو را دیدم، بخشش خودم را چشیدم (۲)
این گفته‌اش را به گوش بسپارید: از امروز تا ابد با شما هستم (۲)
آمین گفت او: **تمام شد** (۲)

۱- وقتی چون پسر گمشده، من سرگردان بودم.
صدای گرم خداوند؛ قلبم را فرا گرفت.
ای خدا به سویت می‌آیم؛ تو مرا بپذیر.
زین پس فقط برای تو، وجودم تقدیم کنم.

۲- وقتی چون یونس نامطیع، من سرگردان بودم.
آن دست گرم خداوند، دستان مرا گرفت.
ای خدا به سویت می‌آیم؛ تو مرا بپذیر.
زین پس فقط برای تو، وجودم تقدیم کنم.

۳- وقتی چون گوهر زانیه، من سرگردان بودم.
مهر و بخشش خداوند، قلبم را فرا گرفت.
ای خدا به سویت می‌آیم؛ تو مرا بپذیر.
زین پس فقط برای تو، وجودم تقدیم کنم.

۱. وقتی چون گنهکاری، به پایش افتادم؛ در زیر بار گناه، عیسی صدا دادم.
منجی شنید فریادم، از بند کرد آزادم. چون عیسی برداشت بارم، مرا شادی بخشید.

**آری او برداشت بارم، بار گناهم را.
آری او برداشت بارم، با مهر بی همتا.
عیسی شنید فریادم، از بند کرد آزادم.
چون عیسی برداشت بارم، مرا شادی بخشید.**

۲. وقتی در غم و اندوه، مایوس و سرگردان؛ ضعیف و دل شکسته، در رنج بی پایان؛
صدای منجی آمد: "من با توام دائم!" آنگاه او برداشت بارم، مرا شادی بخشید.

**آری او برداشت بارم، بار گناهم را.
آری او برداشت بارم، با مهر بی همتا.
عیسی شنید فریادم، از بند کرد آزادم.
چون عیسی برداشت بارم، مرا شادی بخشید.**

۳. راه حیات جاوید، فقط عیسی داند. اوست رهنما و هادی، در قلب من ماند.
وقتی به سما رسم، با حمد سرود خوانم. گویم: "او برداشت بارم، مرا شادی بخشید."

**آری او برداشت بارم، بار گناهم را.
آری او برداشت بارم، با مهر بی همتا.
عیسی شنید فریادم، از بند کرد آزادم.
چون عیسی برداشت بارم، مرا شادی بخشید.**

۱- وقتی دل شکسته، گرانبار و خسته، در ظلمت گناه گم گشته،

به پای صلیب افتادم، پشیمان؛ از آنجا تابید نور ایمان.

مسیحا، مسیحا، نورت بر من تابید، مرا از گناهان رها کنید، رها کنید.

مسیحا، نگاهت آن مهر و صفایت، مرا بخشید شادی و حیات!

۲- گر چه مسکین و کور، لیکن پر از غرور، تا بار گناهم شد آشکار.

آنکه من به پای آن مصلوب افتادم، آنجا از ظلمت کرد آزادم.

مسیحا، مسیحا، نورت بر من تابید، مرا از گناهان رها کنید، رها کنید.

مسیحا، نگاهت آن مهر و صفایت، مرا بخشید شادی و حیات!

۳- حال ظلمت رخت بسته، بندهایم گسسته، طلوع کرده عیسی در قلبم.

مسیحا، نگاهم به نور روی توست؛ نجاتم ز فیض و رحم توست!

مسیحا، مسیحا، نورت بر من تابید، مرا از گناهان رها کنید، رها کنید.

مسیحا، نگاهت آن مهر و صفایت، مرا بخشید شادی و حیات!

1-Væghti del shekæsteh, geranbar o khæsteh, Dær zolmæte gonah gom gæshteh,

Beh paaye sælibæsh oftaadæm pæshimaan; Æz aanjaa taabid nure imaan.

Mæsihaa, Mæsihaa, Nuræt bæer mæn taabid, Mæraa æz gonaahaan ræhaanid, ræhaanid.

Mæsihaa, negaahæt aan mehr o sæfaayæt, Mæraa bækshid shaadi o hæyaat!

2-Gær cheh meskin o kur, Likæn por æz ghorur, Ta bare gonaahæm shod aashkar.

Aangæh mæn beh paaye Aan mæslob oftaadæm, Aanja æz zolmæt kærd aazadæm.

Mæsihaa, Mæsihaa, Nuræt bæer mæn taabid, Mæraa æz gonaahaan ræhaanid, ræhaanid.

Mæsihaa, negaahæt aan mehr o sæfaayæt, Mæraa bækshid shaadi o hæyaat!

3-Haal zolmæt rækht bæsteh, Bændhaayæm gosæsteh, Tolu kærdeh Eesaa dær ghælbæm.

Mæsihaa, negaahæm Beh nure ruye tost; Nejaatæm ze feyz o ræhme tost!

Mæsihaa, Mæsihaa, Nuræt bæer mæn taabid, Mæraa æz gonaahaan ræhaanid, ræhaanid.

Mæsihaa, negaahæt aan mehr o sæfaayæt, Mæraa bækshid shaadi o hæyaat!

۱- وقتی دل شکسته، گرانبار و خسته، در ظلمت گناه گم گشته،

به پای صلیب افتادم، پشیمان؛ از آنجا تابید نور ایمان.

مسیحا، مسیحا، نورت بر من تابید، مرا از گناهان رها کنید، رها کنید.

مسیحا، نگاهت آن مهر و صفایت، مرا بخشید شادی و حیات!

۲- گر چه مسکین و کور، لیکن پر از غرور، تا بار گناهم شد آشکار.

آنکه من به پای آن مصلوب افتادم، آنجا از ظلمت کرد آزادم.

مسیحا، مسیحا، نورت بر من تابید، مرا از گناهان رها کنید، رها کنید.

مسیحا، نگاهت آن مهر و صفایت، مرا بخشید شادی و حیات!

1-Væghti del shekæsteh, geranbar o khæsteh, Dær zolmæte gonah gom gæshteh,

Beh paaye sælibæsh oftaadæm pæshimaan; Æz aanjaa taabid nure imaan.

Mæsihaa, Mæsihaa, Nuræt bæer mæn taabid, Mæraa æz gonaahaan ræhaanid, ræhaanid.

Mæsihaa, negaahæt aan mehr o sæfaayæt, Mæraa bæekshid shaadi o hæyaat!

2-Gær cheh meskin o kur, Likæn por æz ghorur, Ta bare gonaahæm shod aashkar.

Aangæh mæn beh paaye Aan mæslub oftaadæm, Aanja æz zolmæt kærd aazadæm.

Mæsihaa, Mæsihaa, Nuræt bæer mæn taabid, Mæraa æz gonaahaan ræhaanid, ræhaanid.

Mæsihaa, negaahæt aan mehr o sæfaayæt, Mæraa bæekshid shaadi o hæyaat!

وقتی دل شکسته‌ام، گفתי تو را پرستم، تو را پرستم
وقتی در غم تنه‌ایم، گفתי که من اینجایم، تو خداوندم
چون هستی می‌توانی، بر هر دردی درمانی، تو شاهم خداوندی

هللویا، تو خداوندی، هللویا، شاه شاهانی ۲

چون در دل هراسانم، گفתי نزدت می‌مانم، نزدت می‌مانم
وقتی که ناامیدم، گفתי هستی نویدم، ای خداوند

شاد باش تو ای دوست ۳

چون او خداوند است

وقتی غریب و بی‌پناهی، در زندگی گم کرده راهی
رو کن به عیسی خداوند، تا گردِ غم از تو زداید
هنگام طوفانها و سختی، در زورقی تنها نشستی

(رو کن به عیسی خداوند، تا گرد غم از تو زداید) (۲)

وقتی همه درهای باز به روی تو بسته شدند، رو کن به عیسی خداوند
وقتی که غمهای زمان، در دل تو بسته شدند، رو کن به عیسی خداوند
او قادر است بار گرانت را بگیرد، آرامش و عشق و امید جایش گزیند
یار تو خواهد شد، اگر نامش بخوانی، با تو بماند او، اگر در وی بمانی

عیسی گوید تو را، ای گرانبار نزدم بیا

میخوانم نام تو را، ای گنهکار نزدم بیا

وقتی که مقهور گناهی، بی‌یاور و بی‌پناهی

(رو کن به عیسی خداوند، تا گرد غم از تو زداید) (۲)

وقتی دلی شکستگانی سرگشته‌ای و بی‌پناهی

(رو کن به عیسی خداوند، تا گرد غم از تو زداید) (۲)

وقتی که در چشمان تو، اشک پریشانی نشست، رو کن به عیسی خداوند
وقتی که دنیای فریب، راه وفاداری را بست، رو کن به عیسی خداوند

۱- وقتی غم این زندگی پریشانم کند

دعا کنم نزد خدا روحش شادم کند (۲)

۲- بار قلبم فرو ریزد روحم سرود خواند

چون آواز شیرین او در گوش من آید (۲)

۳- آنکه ابر تیره رود روحم بال گیرد

همچون عقاب پرواز کنم دور از هر غم و درد (۲)

* * * * *

1- When sorrows of this life make me sad
I pray to God and His Spirit makes me joyful (2)

2- The load on my heart falls down, My spirit sings songs
When His sweet voice comes to my ears (2)

3- Then the dark clouds go away, My spirit takes wings
I fly away from sorrow and pain. Just like the eagle (2)

وقتی که در جهالت، مست شراب نفسی
آنکه که در خیالت، بتها رو میپرستی
به جای خالق خود، بفکر نقره هستی
در شادی و ضیافت، طلا به پا میرقصی
آهن و چوب و سنگ را، ثنا گویی به مستی
خدا گوید بدان که، منتظر چه هستی.
منا، منا ثقیل و فرسین، آری خدا نوشته است
این کلام قدّوس خدا را، به دیوار دل خود بین
شمرده است روزت خداوند، سنگینی گناهت بین
سلطنت تو گشته تقسیم، مملکت تو گشته تسلیم
مسیح آمد به دنیا، تا دهد تو را شفا
بین فیض خدا را، خالق ارز و سما
در لباس بندگی، خودش را کرده خدا
ای که هستی در خطا، با توبه نزدش بیا

When you are drunk of your selfish due to ignorance.
When in your mind, you are committing idolatry.
And your mind is busy thinking about silver instead of your creator.
And you dance with gold on your feet in banguets
Praising iron, wood, and stones in your drunkenness.
God says you should know is awaiting for you
Mene, mene, Tekel. Parsin, yes God has written this.
See the holy words of your Lord, on the wall of your heart
God has numbered the days of your reign and brought it to an end.
You have been weighed on the scales and found wanting.
Your kingdom is divided and given to your enemies.
Christ came into the world, to heal you.
See the extend of God's grace, He who created heaven and earth.
Came in the form of a servant and gave, His life for you.
You who are a sinner, come to Him in repentance.

۱- وه چه ظلمتی تسخیر نمود دلم، یاد درد و رنج منجیم
چون به قلب سیاهم نظر نمود، ظلمت غلیظ از من بزدود

راه جلجتا را او پیمود بهرم، پیمود بهرم، پیمود بهرم
راه جلجتا را او پیمود بهرم، تا بخشد حیاتم

۲- ترسان و لرزان به پایش افتادم، در شک و تردید از نجاتم
آنکه از درونم این ندا رسید، مسیح گناہانت آمرزید

راه جلجتا را او پیمود بهرم، پیمود بهرم، پیمود بهرم
راه جلجتا را او پیمود بهرم، تا بخشد حیاتم

۳- عیسی محبتش را ظاهر نمود، راه جلجتا را او پیمود
ترک نمود شکوه آسمانی را، جلال بر نام شاهم عیسی

راه جلجتا را او پیمود بهرم، پیمود بهرم، پیمود بهرم
راه جلجتا را او پیمود بهرم، تا بخشد حیاتم

سرودها: و - Songs: Vav

آهنگ	مترجم	شعر	بند اول سرودها	ردیف
			وقت دعا وقت دعا، که سازد از دنیا جدا	۱.
			وقتی تنها توی زندون گناه	۲.
			وقتی چون پسر گمشده، من سرگردان بودم	۳.
	ه.هوسپیان		وقتی چون گنهکاری به پایش افتادم	۴.
			وقتی دل شکسته گرانبار و خسته - ۳ بند	۵.
			وقتی دل شکسته گرانبار و خسته - ۲ بند	۶.
			وقتی دل شکسته‌ام، گفתי تو را پرستم	۷.
			وقتی غریب و بی پناهی	۸.
			وقتی غم این زندگی پریشانم کند	۹.
			وقتی که در جهالت	۱۰.
			وہ چه ظلمتی تسخیر نمود دلم	۱۱.